



کانت و فلسفه اسلامی دوسوی یک چالش

گزارشی از سخنان دکتر احمداحمدی در نشست «هماندیشی حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی»...

گزارشی از سخنان دکتر احمداحمدی در نشست «هماندیشی حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی» کانت و فلسفه اسلامی دوسوی یک چالش

همشهری آنلاین - محمدرضا ارشاد: در پی سخنان مکرر رهبرمعظم انقلاب و به ویژه بیانات ایشان در دیدار اعضای انجمن قلم در تاریخ 8/11/1381 مبنی بر حرکت به سمت جنبش نرم‌افزاری علمی و آزاداندیشی و تولید علم در هفدهم بهمن سال 1382، از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره بنیان گذاشته شد.

هدف اصلی از راه‌اندازی این هیات، حمایت از گسترش کمی و کیفی برگزاری کرسی‌ها در حوزه علوم انسانی و معارف دینی و همچنین مساعدت موثر در جهت گسترش آزاداندیشی و شکل‌گیری ملی نقد و نظریه‌پردازی در ایران است. دبیرخانه این هیات که دارای 20 عضو از رؤسای عالی‌ترین مراکز علمی- پژوهشی و چند نفر از دانش‌پژوهان و اندیشمندان کشور است، در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تعیین شده است. تاکنون از 250 طرح پژوهشی و علمی وارده به این دبیرخانه، نزدیک به 80 مورد آن توانسته‌اند از اعتبار اولیه برخوردار شوند و 15 کرسی از آن میان، عنوان کرسی موفق را دارا شده‌اند. بر همین اساس، هفته جاری در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نشست (هماندیشی) با حضور اعضای دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی تشکیل شد و در آن یکی از نظریه‌پردازانی که نظریه‌اش حائز کرسی موفق شده بود، به بیان و تشریح بنیادهای نظریه‌اش پرداخت. دکتر احمداحمدی که واضع نظریه «هو هویت» یا «ارجاع تمامیت علم به تصور» است، در این نشست از نوآوری‌های نظری خود سخن گفت. آنچه از پی می‌آید، گزیده‌ای است از این نشست که با هم می‌خوانیم:

پیش از سخنان دکتر احمدی، حجت‌الاسلام علی‌اکبرصادقی رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به تشریح زمینه‌ها و اهداف هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی پرداخت و آنگاه دکتر سیدعلیرضا واسعی، دبیر هیات کرسی‌های نظریه‌پردازی در خصوص فرایند اعتبارسنجی داده‌های علمی از سوی هیات گفت: در هیات، فرایند بسیار پیچیده و سختی برای اعتبارسنجی داده‌های علمی وجود دارد. اگر فردی بتواند این مراحل را بپیماید، می‌توان ادعا کرد یافته او یک یافته عمیق و علمی است. ما در مقام پروردن یک نظریه‌پرداز نیستیم. ما تنها به بازیابی و کشف پژوهشگرانی می‌پردازیم که دارای حرف نویی هستند. پس از کشف صاحب‌نظران و پژوهشگران، سازوکاری را تعریف می‌کنیم و آنگاه حمایت‌های گوناگونی را از آن نظریه صورت می‌دهیم. این حمایت در 3 عرصه حقوقی، اجتماعی و مادی است. وی آنگاه در توضیحی درباره نظریه «هو هویت» گفت: این نظریه در سال 87 رسماً از طرف دبیرخانه اعتبارسنجی شد و نخستین نشست در این خصوص در بهمن 87 انجام شد و امتیاز بالایی را به دست آورد. سپس دکتر احمداحمدی در تشریح نظریه‌اش و جایگاه آن در فلسفه سخن گفت.

چالش اصلی من با کانت است

پیش از آنکه به توضیحاتی درباره نظریه‌ام بپردازم، لازم می‌بینم که دین شاگردی خودم را به علامه طباطبایی به‌نحوی ادا کنم. ماهرچه داریم از وی است. من از زمانی که دانشجوی فلسفه بودم، 20 سال در خدمت ایشان بودم؛ چه در جلسات عمومی و چه در جلسات خصوصی شب‌های پنجشنبه. در جلسات، من به‌عینه می‌دیدم که علامه بر سر اشکالی که فردی وارد می‌ساخت، چگونه وقت می‌گذاشت. گاهی به وی می‌گفتم که استاد این اشکال آن اندازه مهم نیست که برسر آن بحث و گفت‌وگو می‌کنید. وی در پاسخ ما می‌گفت اشکال، اشکال است. به هر صورت، از آن هنگام که وارد رشته فلسفه در دانشگاه شدم، تاکنون همواره با بحث «شناخت» درگیر بوده‌ام. بارها و بارها در باب «وجود ذهنی» تامل می‌کردم و مجدانه «اسفار»، «منظومه» و «سنجش خردناب» را می‌خواندم و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌کردم.

من همیشه در تعجب بودم که چرا حرف‌های کانت در «شناخت‌شناسی» این اندازه متعارض است. این بود که به این نتیجه رسیدم که بحث شناخت را باید با رویکردی دیگر پی‌گرفت.

اینستین در جایی گفته بود اگر من نظریه نسبیت را عرضه کردم، بر شانه غولان دیگری پا گذاشته‌ام. نظریه من هم مرهون تلاش پیشین بزرگان این حوزه است. من معتقدم که این نظریه بسیاری از معضلات «شناخت» را هم در فلسفه اسلامی و هم در فلسفه غرب حل می‌کند. البته من در یکی از کتاب‌های اخیرم، گفته بودم که ارتباط با اشیای خارجی و محسوس در نظریه‌بوعلی و ملاصدرا نیست. بعدها پی بردم که شیخ اشراق این نظریه را به عنوان امر شهودی و امر حضوری در فلسفه‌اش پذیرفته است. به هر

روی، ما بحث «شناخت» را از کجا آغاز کنیم که مثل کانت در تله نیفتیم؟

واقع امر این است که کانت در کتاب «سنجش خردناب» دست و پا می‌زند تا خود را از این مخمصه به نحوی رها کند. مبنای کار من اصل «هوهویت» بود. من گفتم که این اصل با روانشناسی پیوندی مستحکم دارد. از روزگاران گذشته این پرسش مطرح بوده که آیا اصل «هوهویت» مبدا المبادی است یا اصل «امتناع تناقض»؟ به نظر من، اگر اصل «هوهویت» را به روانشناسی پیوند بزنیم، مبنای کار قرار می‌گیرد.

وقتی تصویری وارد ذهن می‌شود، از ذهن جدا نمی‌شود. در اینجا است که به تاثیر معرفت‌شناسی و روانشناسی می‌رسیم. اگر هم بخواهیم اصل «امتناع تناقض» را مبنا قرار دهیم باز سرانجام باید به همین اصل «هوهویت» بازگردیم.

همواره گفته‌ام که اشیای خارجی (محسوس) و کلا حس در فلسفه اسلامی خوار و بی‌اعتبار شمرده شده است حال آنکه ما تمام معرفت را بی‌واسطه از خارج می‌گیریم. وقتی با اشیا روبه‌رو می‌شویم، آنها بر ما تاثیر می‌گذارند، این تاثیر «علیت» است بنابراین، در فلسفه، «صورت ذهنی»، «علم» می‌شود و در واقع «علم» قائم به ذهن است.

اصل «هوهویت» از همین مسئله برمی‌خیزد. برخلاف نظر کانت که «تصور» را به حساب نمی‌آورد و تنها به «تصدیق» توجه می‌کند، ما «تصور» را تحلیل می‌کنیم و در واقع تحلیل محمول را از موضوع به دست می‌آوریم نه از بیرون.

علم با تصور آغاز می‌شود و تکرار تصور است که معرفت‌تجربی را به دست می‌دهد. این یک مبنای رئالیستی است و کسی قادر به انکار آن نیست، چرا که انکار رئالیسم، انکار همه‌چیز است. «علیت» با حضور و ارتباط ما با اشیا پدید می‌آید و «ضرورت» هم از آن پدید می‌آید. کانت و هیوم ضرورت را تداعی (معانی) دانسته‌اند. این کاملاً خطاست. «ضرورت» آنجایی معنا می‌یابد که با خارج ارتباط پیدا می‌کنیم. بنابراین می‌بینیم که نظریه من، با فلسفه کانت و فلسفه اسلامی چالش دارد. اصلاً بحث اصالت وجود و اصالت ماهیت، مولود خلط معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی است.

وقتی پی تصویری را که از بیرون می‌آید، می‌گیریم، متوجه می‌شویم هر تصور مابه‌ازای دقیق خارجی دارد و ما این مابه‌ازا را با علم حضوری دریافته‌ایم. در اصالت ماهیت و اصالت وجود راه ارتباط با جهان خارج بررسی نشده است. اصل «هوهویت» مقصد معرفت است. خطای بزرگ کانت در این بود که از منطق آغاز کرد و خواست تا تکلیف فلسفه را از آن طریق روشن سازد. حال آنکه منطق، صرفاً قواعد درست اندیشیدن را به دست می‌دهد. ما باید نخست «شناخت» را مشخص سازیم و بعد به منطق برسیم. در واقع کانت، ترازو (منطق) را به جای کالا گرفته است.

نظریه «هوهویت» راه را برای «علم حضوری» می‌گشاید. در این وضعیت، بحث «ماهیت» به کلی حذف می‌شود و «صورت ذهنی» جای آن را می‌گیرد.